

## شریعت خدا و جایگاه آن در تاریخ بشری

### قسمت اول: مقدمه

در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۳، بوئینگ ۷۴۷ پرواز شماره ۰۱۱، هواپیمایی آریانا در ساعت ۱۰ و ۲۵ دقیقه شب فرودگاه چارلز دوگل پاریس را به مقصد فرودگاه باراهاس در مادرید ترک می‌کند. در ساعت ۳ صبح این هواپیما با برج مراقبت فرودگاه باراهاس تماس می‌گیرد و برای فرود در مادرید آماده می‌شود، دقایقی بعد هواپیما به کوهی برخورد می‌کند و ۱۸۱ نفر از سرنشینان و خدمه هواپیما جان خود را از دست می‌دهد. بعد از کشف جعبه سیاه و تحقیقات مفصل، کارشناسان به این نتیجه می‌رسند که علت سقوط این هواپیما نقص فنی نبوده است. دقایقی قبل از برخورد هواپیما با کوه، مکالمات و صدای ضبط شده کابین، علت حادثه را کاملاً روشن می‌سازد:

صدای سیستم هشدار کامپیوتری هواپیما: بالا ببر، بالا ببر،

**pull up, pull up, pull up** بالا ببر

صدای کاپیتان پرواز (خدمه اسپانیایی بودند): خفه شو

گرینگو (یعنی آمریکایی، کمی تحقیرآمیز)

## shut up gringo

و کاپیتان سیستم هشدار کامپیوتری را خاموش می کند.  
لحظاتی بعد هواپیما به کوه برخورد می کند!

خدا در وجود انسان دو سیستم هشدار دهنده قرار داده است که بدون آنها زندگی روی کره زمین و تداوم تمدن بشری غیر ممکن بودند. یکی از آنها درد فیزیکی است. درد به ما هشدار می دهد که در بدنمان مشکلی وجود دارد که نیاز به رسیدگی دارد. علاوه بر آن ترس از درد، ما را از بسیاری از خطرات احتمالی باز می دارد. جالب است که بدانید در بیماری هِنسن (Hansen) یا بَرَص (بیماری که هزاران سال پیش شایع بوده است) سیستم اعصاب پیرامونی دچار اختلال می شود به طوری که بیمار درد را در نواحی پیرامونی بدن احساس نمی کند و به راحتی به دست ها، پاها و صورت خود آسیب می رساند و یا با خارش شدید صورت باعث ایجاد زخمهای مهلکی روی بینی، گوش و یا چشم می شود. در زمان های قدیم افراد مبتلا به این بیماری دچار عفونت های شدید می شدند و گاهی بینی، گوش و نوک انگشتان دست و پا را از دست می دادند.

دومین سیستم هشدار دهنده وجدان است. وجدان سیستم هشدار دهنده ای است که انسان را از عبور از خط قرمزهای اخلاقی که وی را به نابودی سوق می‌دهد؛ باز می‌دارد. اما همانگونه که در بیماری برص سیستم هشدار دهنده فیزیکی بدن آسیب می‌بیند؛ وجدان انسان نیز تحت تاثیر عوامل درونی و بیرونی دستخوش اختلال می‌گردد. قبلاً در مبحث «انسان» اشاره کردیم که انسان از جایگاه رفیع اخلاقی خویش افول کرده و همه قوانین اخلاقی خدا را زیر پا نهاده است؛ ولی با این وجود وجدان در ذهن و ضمیر انسان، همچون شمعی کم سو هنوز باعث روشنایی اندکی می‌شود. متأسفانه عملکرد وجدان از درون و بیرون انسان شدیداً تحت تاثیر قرار گرفته است و به خوبی کار نمی‌کند. طبیعت گناه آلود انسان از یک سو و محیط اطراف (تربیت، فرهنگ جامعه، قوانین مدنی و باورها و...) عملکرد وجدان را به شدت دگرگون کرده اند. در مقطعی از تاریخ بشری (حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد) و به هنگام تشکیل تمدن‌ها، خداوند ده فرمان معروف را از طریق موسی مرد خدا و در کوه سینا به قوم اسرائیل می‌دهد. این فرامین که تبلور قوانین اخلاقی خداوند هستند و در ذهن و ضمیر و وجدان انسان نقش بسته

اند(مخصوصا قبل از سقوط انسان) تقریبا زیربنای همه قوانین اخلاقی، مدنی و کیفری جوامع مختلف جهان را تا به امروز تشکیل می دهند. (حتی جوامع سکولار) این فرامین عبارتند از:

'«تو را خدایانِ غیر جز من مباشد.»

'«هیچ تمثالِ تراشیده‌ای برای خود مساز، خواه به شکل هر آنچه بالا در آسمان باشد و یا پایین بر زمین و یا در آبهای زیر زمین. در برابر آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما؛ ...»

«نام یهوه خدایت را به ناشایستگی مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به ناشایستگی برد بی‌سزا نخواهد گذاشت.»

«روز شَبَّات را به یاد داشته باش و آن را مقدس شمار. شش روز کار کن و همه کارهایت را انجام بده، اما روز هفتم، شَبَّاتِ یهوه خدای توست. در آن هیچ کار مکن، ...»

«پدر و مادر خود را گرامی دار تا در سرزمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، روزهایت دراز شود.»

«قتل مکن.»

«زنا مکن.»

«دزدی مکن.»

«بر همنوع خود شهادت دروغ مده.»

«به خانه همسایهات طمع مورز. به زن همسایهات، یا غلام  
و کنیزش، یا گاو و الاغش، یا هیچ چیز دیگر او، طمع  
مدار.»

کتاب خروج ۲۰ : ۳-۱۸

### قسمت دوم: الواح سنگی و قلب های سنگی

در قسمت اول به طور مختصر ده فرمان خدا را معرفی  
کردیم. اختصار کلمات (یا دقیق تر اقتصاد  
کلمات **Economy of words**) در ده فرمان بی نظیر  
است. (جامع و در عین حال خلاصه بودن آن)  
توجه کنید که این ده فرمان تبلور قوانین اخلاقی خداوند  
است که از نیکی مطلق او سرچشمه می گیرد و هر گناه  
قابل تصویری که انسان مرتکب شود؛ تخطی از یک یا چند  
فرمان آن محسوب می شود. در واقع ده فرمان را می توان  
به دو بخش تقسیم کرد؛ بخش نخست به رابطه انسان با  
خدا مرتبط است (رابطه عمودی) و بخش دوم به رابطه  
انسان با خویشان و با دیگران مرتبط است. (رابطه افقی)

مسیح در انجیل متی فصل ۲۲ آیات ۳۶-۴۰ با برشمردن چند آیه از عهد عتیق، تمام فرامین اخلاقی خدا را دو فرمان خلاصه می کند:

۳۶ «ای استاد، بزرگترین حکم در شریعت کدام است؟»  
۳۷ عیسی پاسخ داد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما.»  
۳۸ این نخستین و بزرگترین حکم است. ۳۹ دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: «همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت نما.»

۴۰ تمامی شریعت موسی و نوشته‌های پیامبران بر این دو حکم استوار است.»  
پولس رسول نیز در اشاره به رابطه انسان‌ها با یکدیگر بر این نکته تأکید می کند:

«زیرا تمام شریعت در یک حکم خلاصه می‌شود و آن اینکه  
«همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت کن.»  
غلاطیان ۵: ۱۴

در آیات فوق در اینکه همسایه ما کیست هیچ ابهامی وجود ندارد. مسیح در مثل سامری نیکو( انجیل لوقا فصل

۱۰ آیات ۲۹ - ۳۷) دقیقاً تشریح می کند که منظور از همسایه، همه انسانها هستند.

جالب است بدانید که تمامی کتب عهد عتیق و عهد جدید توسط قلم انسان ( انبیا، رسولان و ...) و به الهام از روح خدا نوشته شده اند؛ به استثنای ده فرمان که خدا مستقیماً آنها را بر روی دو لوح سنگی می نویسد و به موسی می دهد:

«آنگاه موسی برگشت و در حالی که دو لوح شهادت را در دست داشت، از کوه به زیر آمد. بر هر دو طرف لوحها، یعنی پشت و روی آنها، نوشته شده بود. لوحها کار دست خدا بود و نوشته، نوشته خدا بود که بر لوحها حک شده بود.» کتاب خروج ۳۲: ۱۵ و ۱۶

این موضوع بسیار حائز اهمیت است زیرا نشان می دهد قوانین اخلاقی خدا مطلق بوده و برای همه انسان ها در همه زمان ها و در همه جا صادق هستند. خداوند همه انسانها را مطابق این قوانین محاکمه خواهد کرد؛ بدین معنی که سرنوشت ابدی همه انسانها با این ده فرمان گره خورده است. اما نکته جالب تر، اتفاقی است که قبل از فرود آمدن موسی از کوه سینا می افتاد :

۱ چون قوم دیدند فرود آمدن موسی از کوه به درازا کشید،  
گرد هارون جمع شده گفتند: «بیا برای ما خدایان بساز تا  
پیش روی ما بروند. زیرا نمی‌دانیم بر سر این مرد، موسی،  
که ما را از سرزمین مصر بیرون آورد، چه آمده است.» ۲  
هارون در پاسخ گفت: «گوشواره‌های طلا را که در گوش  
زنان و پسران و دخترانتان است، به در آورده، نزد من  
آورید.» ۳ پس همه قوم گوشواره‌های طلا را از گوش  
هایشان به در آورده، نزد هارون بردند. ۴ هارون آن را از  
دست ایشان گرفته، با قلم شکل داد و به صورت گوساله‌ای  
ریخته‌شده درآورد. آنگاه ایشان گفتند: «ای اسرائیل، اینها  
هستند خدایان تو که تو را از سرزمین مصر بیرون  
آوردند.» ۵ هارون چون این را دید، مذبحی در برابر آن  
گوساله بنا کرد و اعلام نمود: «فردا جشنی برای خداوند  
خواهد بود.» ۶ پس قوم سحرگهان برخاستند و قربانیهای  
تمام‌سوز و قربانیهای رفاقت تقدیم کردند. سپس به خوردن  
و نوشیدن نشستند و به جهت لُهو و لَعِب به پا خاستند.  
۷ آنگاه خداوند به موسی گفت: «بی‌درنگ فرود آ، زیرا  
قوم تو که از سرزمین مصر به در آوردی، فساد کرده‌اند.  
۸ آنها به همین زودی از راهی که بدیشان امر فرمودم  
انحراف ورزیده، برای خود گوساله ریخته‌شده ساخته‌اند و



در برابر آن سجده کرده و قربانی نموده، گفته‌اند: ”ای اسرائیل، اینها هستند خدایانی که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردند!“...

۱۹ چون موسی به اردوگاه نزدیک شد و آن گوساله و رقص مردم را دید، خشمش شعله‌ور گشت و لوحها را از دستان خود به زیر افکنده، آنها را پای کوه شکست.

کتاب خروج ۳۲: ۱-۸ و ۱۹

بدین ترتیب هر دو لوح سنگی که فرامین خدا بر روی آنها نوشته شده بودند؛ توسط انسان شکسته شدند! گویی ده فرمان خدا در دل های سنگی انسان ها نفوذ نمی کنند، هر چند که بر روی آنها حک شده باشند!

قسمت سوم: نقش شریعت خدا در زندگی انسان ها

در دو قسمت قبلی به اهمیت قوانین اخلاقی خدا و وجدان (قوانین اخلاقی خدا نوشته شده بر دل های انسانها) اشاره ای

کردیم. به طور کلی می توان گفت قوانین اخلاقی خدا چهار نقش اساسی در زندگی انسانها ایفا می کنند:

الف- از طریق قوانین اخلاقی خدا، به سه ویژگی مهم خدا بیشتر پی می بریم. (علاوه بر ویژگی هایی که قبلا در بحث وجود خدا و منشا جهان هستی مطرح کردیم، مانند قادر مطلق بودن، همه دانا بودن و...) این سه ویژگی عبارتند از: نیکویی (Goodness)، قدوسیت (Holiness) و عدالت (Righteousness) مطلق و بی نهایت خدا.

قوانین اخلاقی خدا از نیکوی مطلق خدا سرچشمه می گیرند. نیکویی ( نیکوی و خوب بودن) عبارت است از آنچه که خدا آن را تایید کند زیرا معیاری بالاتر از خدا وجود ندارد. در کتاب مقدس آمده است:

«تو نیکو هستی و نیکویی می کنی؛  
فرائض خود را به من بیاموز.» مزمور ۱۱۹ : ۶۸

«هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالاست، نازل شده  
از پدر نورها که در او نه تغییری است و نه سایه ناشی از  
دگرگونی.» رساله یعقوب ۱: ۱۷

قدوسیت مطلق خدا بدین معنی است که خدا بی نهایت از  
گناه فاصله دارد. این ویژگی خدا جنبه ارتباطی دارد و  
نشان می دهد که خداوند با انسان گناهکار در صلح و  
آشتی نیست و بنابراین انسان گناهکار از حیات، محبت و  
خوشبختی خداوند بی بهره است.

عدالت مطلق خدا بدین معنی است که خدا و اعمال وی بی  
نهایت راست و درست است و او معیار درستی است. (پارسایی خدا)  
دقت کنید راستی و درستی به دو سوال مهم پاسخ می گویند:

۱- چه باید اتفاق بیفتد؟ (در مقابل آن چه که بالفعل اتفاق  
می افتد. زیرا آنچه که عملاً اتفاق می افتد ممکن است  
درست نباشد.)

۲- چه باید باشد؟ (در مقابل آنچه که بالفعل وجود دارد یا  
هست. زیرا آنچه که عملاً وجود دارد یا هست ممکن  
است درست نباشد.)

جواب هر دو سوال فوق این است که آنچه با عدالت خدا  
مطابقت داشته باشد!

توجه کنید همچون نیکی، معیار و ملاک نهایی عدالت) راست و درست بودن) خود خداوند است. تصور کنید اگر خدا این سه ویژگی را نمی داشت؛ ما در چه جهان نابسامانی زندگی می کردیم که اساس آن بر ناراستی، شرارت و ظلم استوار می بود و هیچ امیدی برای تغییر آن نیز وجود نمی داشت!

ب- قوانین اخلاقی خدا برای تداوم تمدن بشری و ادامه حیات انسان ها بر روی کره زمین ضروری و لازم می باشند. همانگونه که قبلا نیز اشاره کردیم؛ قوانین اخلاقی خدا و مخصوصا ده فرمان زیر بنای تمام قوانین مدنی و کیفری جوامع مختلف را تشکیل می دهند.

پ- سرنوشت ابدی همه انسانها با قوانین اخلاقی خدا گره خورده است. همه انسان ها برای هر گناهی که مرتکب شده اند، توسط خدای عادل مطلق و مطابق این قوانین و همچنین وجدان (برای کسانی که مطلقا اطلاعی از این قوانین نداشته اند، برای مثال اقوام بدوی که در جنگل های آمازون زندگی می کنند) محاکمه خواهند شد.

ت-قوانین اخلاقی خدا، همچون آینه ای است که گناهان و خطاهای ما را آشکار می سازد؛ به عبارت دیگر از طریق این قوانین ما به گناهکار بودن خود پی می بریم.

اگر مطالب قبلی را به دقت مطالعه کرده اید؛ حتماً با ما هم عقیده اید که شریعت خدا نه تنها باعث نزدیکی انسان به خدا نشده؛ بلکه شکاف بی نهایتی بین خدا و انسان ایجاد کرده است. یادآوری این نکته ضروری است که انسان حتی اولین فرمان ساده خدا در باغ عدن (نخوردن از میوه درخت نیک و بد) را نیز نتوانست به جا آورد تا چه رسد به دیگر فرامین اخلاقی خداوند! (ناگفته نماند که انسانها حتی قوانین راهنمایی و رانندگی و دیگر قوانین مدنی ساده را که خود وضع کرده اند، هر روز زیر پا میگذارند.)

### قسمت چهارم: انسان در ترازوی شریعت خدا

بحث شریعت خدا را به طور خلاصه با معرفی فرامین اخلاقی خدا و نقش آنها در زندگی انسان ها ارائه کردیم. این بحث را با یک نتیجه گیری کلی به پایان می بریم.

میتوان همه انسانها را از نظر وضعیت پیروی از شریعت خدا در یک طیف وسیعی که یک سوی آن را دینداران و سوی مخالف را انسان های بی دین ( که پیرو شریعت خاصی نیستند) تشکیل می دهند؛ قرارداد.

پولس رسول که یکی از متفکرین و فلاسفه قرن اول میلادی محسوب می شود در مورد دینداران ( یهودیان در قرن اول میلادی) در رساله به رومیان فصل دوم این چنین بیان می دارد:

۱۷ حال، تو که خود را یهودی می خوانی و به شریعت تکیه داری و به رابطہات با خدا فخر می کنی، ۱۸ تو که اراده او را می دانی و چون از شریعت تعلیم یافته ای، بهترینها را برمی گزینی، ۱۹ و اطمینان داری که راهنمای کوران و نور ظلمت نشینانی، ۲۰ تو که به سبب برخورداری از شریعت که تبلور معرفت و حقیقت است، مربی جاهلان و آموزگار کودکانی، ۲۱ تو که دیگران را تعلیم می دهی، آیا خود را نمی آموزانی؟ تو که بر ضد دزدی موعظه می کنی، آیا خود دزدی می کنی؟ ۲۲ تو که می گویی نباید زنا کرد، آیا خود زنا می کنی؟ تو که از بتها نفرت داری، آیا خود معبدها را غارت می کنی؟ ۲۳ تو که به داشتن شریعت فخر می فروشی، آیا با

زیر پا گذاشتنِ آن به خدا بی‌حرمتی می‌کنی؟ ۲۴ چنانکه نوشته شده است: «به سبب شما، نام خدا را در میان قومها کفر می‌گویند.»

دقت کنید تمام پرسش‌های فوق، پرسش‌های بدیهی با جواب «آری» می‌باشند. پولس رسول این چنین استدلال می‌کند که دینداران یا یکتاپرستان (به اصطلاح یهودیان در قرن اول میلادی) با زیر پا گذاشتن شریعت خدا به همان اندازه بی‌دینان (غیر یهودیان یا به اصطلاح یونانیان در قرن اول میلادی) که پایبند شریعت نیستند و از اصول اخلاقی پیروی نمی‌کنند؛ مقصرند. بنابراین پولس رسول متذکر می‌شود که:

«ا پس تو ای آدمی که دیگری را محکوم می‌کنی، هر که باشی هیچ عذری نداری. زیرا در هر موردی که دیگری را محکوم می‌کنی، خویشتن را محکوم کرده‌ای؛ چون تو که داوری می‌کنی، خود همان را انجام می‌دهی. ۲ ما می‌دانیم که داوری خدا بر کسانی که این‌گونه اعمال را انجام می‌دهند، بر حق است. ۳ پس تو ای آدمی که بر دیگران داوری می‌کنی و خود همان را انجام می‌دهی، آیا گمان می‌کنی که از داوری خدا خواهی رست؟»

رساله پولس رسول به رومیان ۲: ۱-۳

از سوی دیگر تکلیف بی دینان نیز مشخص است؛ پولس رسول در رساله رومیان فصل اول یادآوری می کند که:

«۱۹ زیرا آنچه از خدا می توان شناخت بر آنان آشکار است، چون خدا آن را بر ایشان آشکار ساخته است. ۲۰ زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرتِ سرمدی و الوهیت او را می توان با ادراک از امور جهان مخلوق، به روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست.»

۲۱ زیرا هر چند خدا را شناختند، اما او را چون خدا حرمت نداشتند و سپاس نگفتند، بلکه در اندیشه خود به بطالت گرفتار آمدند و دلهای بی فهم ایشان را تاریکی فرا گرفت.»

بنابراین پولس رسول این بحث را در رساله رومیان فصل سوم بدین صورت جمع بندی می کند:

۹ پس چه باید گفت؟ آیا وضع ما بهتر از دیگران است؟ به هیچ روی! زیرا پیشتر ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانی هر دو زیر سلطه گناهند. ۱۰ چنانکه نوشته شده است:

«پارسایی نیست، حتی یکی...»



۲۳ زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند.»

در اینجا بحث شریعت خدا را به پایان می‌بریم. در بخش بعدی مبحث نجات انسان از گناه و مرگ را آغاز می‌کنیم و یک بار دیگر در کتاب پیدایش به باغ عدن سری خواهیم زد و در آنجا به جستجوی آثار محبت بی نهایت خدا و نقشه نجات انسان خواهیم پرداخت.